



صورت آفراسلان جاذب که در طول تاریخ چندین بار جابه‌جا شده‌است



پلان هوایی حجره‌های بازار تاریخی سنگ‌بست که از بالای میل‌ایاز قابل مشاهده‌است



# بن بست «سنگ‌بست»

یکی از کهن‌ترین بناهای خراسان رضوی که روزگاری در پنجره‌های حیاتی جاده ابریشم قرار داشته، امروز سوت و کور است

**شیماسیدی|** یکی از اولین آرامگاه‌های گنبددار ایران، کهن‌ترین بنای خراسان رضوی بعد از حرم مطهر امام رضا(ع) و یکی از معدود بناهای به جامانده از دوران حکومت غزنویان در خاک ایران کنونی، از جمله ویژگی‌های بنایی است که تنها ۳۸ کیلومتر با مشهد فاصله دارد. جاده فریمان را که در پیش بگیری و از تپه سلامت و جیم‌آباد بگذری، به سه راهی سنگ‌بست می‌رسی. سه راهی که امروز شهرهای مشهد، فریمان و سرخس را به یکدیگر

وصل می‌کند، حدود یک قرن پیش، پنجره‌ای حیاتی بوده که کاروان‌های ۵ شهر مهم روزگار از آن می‌گذشتند. کافی است هزار متر در مسیر سرخس، که امروز بیشتر به یک جاده فرعی می‌ماند پیش بروی تا به بقایای شهری هزار ساله برسی. سخت است تصور کنی جاده‌ای که امروز سوت و کور است و هر از چندگاهی یک ماشینی از آن می‌گذرد، چندین سده پیش، روزانه محل کثرت چندین کاروان و پیک بوده است. اما در اهمیت این راه همین بس که بدانیم

ارسلان جاذب تنها سپهدار توس در این تقاطع حیاتی سکنی گزیده و همین‌جا نیز به خاک سپرده شده است. راهنمای مادر یازدید از محوطه تاریخی سنگ‌بست، مقبره ارسلان جاذب، میل‌ایاز و کاروانسرای سنگ‌بست حسن گیاهی، مدیر میراث فرهنگی فریمان است. توضیحات شیرین رجیعی لباف خانیکی، باستان‌شناسی که در باره این محدوده تاریخی مطالعه کرده نیز یازدید را بر ایمان دقیق و علمی می‌کند.



فضای داخل رباط سنگ‌بست

رباطی با آغوشی گشوده به سنگ‌بست که می‌رسیم قبل از ورود به جاده سرخس، همان ابتدای راه، وارد بنایی می‌شویم که چسبیده به یک ساختمان نظامی. تابلوی قهوه‌ای رنگ میراث فرهنگی تنها نشانه بیرونی این بناست که خبر از تاریخی بودنش می‌دهد. اما به محض اینکه از در ورودی بگذری و بنا و دو ایوان ورودی‌اش که چونان آغوش بازی به روی میهمانان گشوده شده است را بنگری، به قدمت تاریخی آن پی خواهی برد. اینجا رباطی است که امیرعلشیرنوایی، وزیر خردمند سلطان حسین باقر، برای پذیرایی از کاروان‌ها ساخته است. گرچه بنا در دوره تیموری (۵۰۰ سال قبل) ساخته شده، اما شجره‌های مذهبی و تابلوهای «در این مکان سبک‌انگشید» متعددی که بر در و دیوار آن نصب شده و به زمان نگهداری اسرای عراقی در این مکان برمی‌گردد، بیشتر شمارا به «لوکیشن» فیلم‌های جنگی می‌برد تا فیلم‌های تاریخی. البته که این حس و حال تنها محدود به ایوان شرقی می‌شود و به محض اینکه وارد دالان بزرگی شوی که روزگاری مال‌بند و محل نگهداری اسب‌ها بوده، سفر به تاریخ آغاز می‌شود. از دو ایوان ورودی که بگذری و در مرکز حیاط تابستانی کاروان سرا بایستی، ۲۲ حجره، طاق و بخاری که روزگاری محل استراحت کاروانیان جاده ابریشم بوده را می‌توانی با انگشت بشمری و با چشم رصد کنی. در گوشه حیاط پله‌هایی شما را به طبقه شاه‌نشین و سپس پشت‌بام مرمت شده و زیبای کاروان سرا می‌رساند. از آن بالا می‌توانی ۹ برجی که روزگاری محل نگهداری بوده است را به چشم ببینی. غیر از این فنسی که تنها جداکننده محوطه رباط، از حیاط زندانی که متروکه شده نیز از این بالا عیان است. این پلگاه نظامی که بعد امنیتی نیز دارد، بیش از هر چیز تأییدکننده اهمیت راهبردی این نقطه جغرافیایی-تاریخی است. نقطه‌ای که امیرعلی شیرنوایی، ۴۵۰ سال بعد از ارسلان جاذب، برای پذیرایی از کاروان‌های پیاده در نظر گرفته و امروز به نام «کاروان سرای سنگ‌بست» مشهور است. انتقال آب چشمه گیلای به مشهد، ساختن صحن برای حرم مطهر رضوی از دیگر خدمات امیرعلشیرنوایی به خراسانیان بوده است. این ملک که امروز در اختیار میراث فرهنگی است، حدود ۲ سال قبل اندکی مرمت شده است، اما هنوز راه بسیاری تا رسیدن به نقطه مطلوب دارد. با توجه به وسعت زیاد بنا و فاصله اندک آن تا مشهد، کارگرهایی چون اقامتگاه بوم‌گردی، هتل سنتی، بوتیک هتل، بازارچه صنایع دستی، رستوران و... را می‌توان برای آن تعریف کرد، به شرط آنکه فردی خردمند از بخش خصوصی یا نهادهای فرهنگی از بخش دولتی آغوش گرم خود را به روی این رباط بگشاید.

**جای خالی رباط ارسلان جاذب و شهری هزارساله**

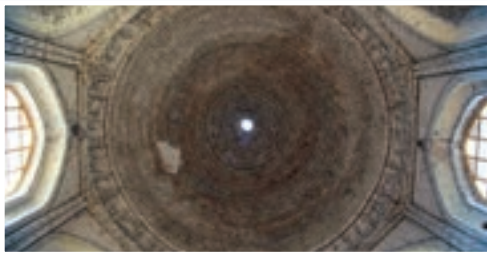
کافی است هزار متر از «کاروان سرای سنگ‌بست» فاصله بگیری تا هزار سال به



این رنگ‌ها در گذشته دیواره‌های داخل محوطه ارسلان جاذب را دربرمی‌گرفته‌اند امروز بیش‌تر کج‌گرفته شده‌است

**سنگ‌بست پشت درهای بسته**

با اینکه ظاهر امروز سنگ‌بست حاصل مرمت‌های مختصر سال ۹۵ و تخلیه چندین کامیون خاک و نخاله از درون آرامگاه است. یک نگاه کوتاه‌نیاز محوطه تاریخی سنگ‌بست به مرمت و توجه بیشتر را عیان می‌کند. اینجا می‌تواند دوباره محوطه‌ای زنده باشد که تاریخ هزار سال پیش ایران را روایت می‌کند. با این حال محوطه‌ای که در طول سالیان طولانی امکانات رفاهی گوناگونی را در اختیار زائران و میهمانان جاده ابریشم می‌گذاشته است، امروز فاقد هرگونه امکاناتی است. یک کانکس نگهدارنده تنها چیزی است که به محوطه افزوده شده است. مقبره ارسلان جاذب صد و شصت و چهارمین بنایی است که در سال ۱۳۱۰ در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده است. سال گذشته حدود ۴۰۰ گردشگر خارجی از این بنا بازدید کردند، اما به گفته مدیر میراث فرهنگی فریمان، امسال این آمار به مراتب کاهش یافته است.



**راز ماندگاری یک مقبره**

ارسلان جاذب، دلاور سپهدار توس، چهاره‌ای محبوب نزد مردم بوده است. حتی فردوسی نیز این دلاور را که هم عصر او بوده می‌ستوده، چنانکه شعری نیز در وصفش سروده است: «و دیگر دلاور سپهدار توس / که در جنگ بر شیر مرد فوسوس / ببخشد درم هر چه باید ز دهر / همی آفرین یابد از دهر پهر / به یزدان بود خلق را ره‌نمای / سر شاه خواهد که باشد به جای...» ارسلان نیز علاقه ویژه‌ای به فردوسی داشت، چنانکه اولین آرامگاه بر مزار فردوسی را ارسلان جاذب ساخت. از وصف پهلوانانه فردوسی هم که بگذری باقی‌ماندن مقبره یک حاکم ترک در خراسان حکایت از محبوبیت او در میان مردم دارد. احتمالاً راز ماندگاری هزار سال یک آرامگاه نیز مقبولیت حکومت او در میان مردمان است.

**داستان به سنگ بستن ارسلان و وجه تسمیه سنگ‌بست**

شخصیت افسانه‌ای ارسلان جاذب موجب شده، مردم نام سنگ‌بست را هم به او پیوند بزنند. چنانکه داستانی هم برای این پیوند روایت می‌کنند. احمد بن علی مثنوی سال ۱۳۸۶ ه.ق. در کتاب «فتح الوهبی علی تاریخ ابی نصر العتبی» داستان نام‌گذاری سنگ‌بست را چنین نقل می‌کند: «روزی سوداگران ارسلان جاذب را به غزنه می‌بردند که راه‌زنان حمله کردند و مال آن‌ها را به غارت بردند و ارسلان جاذب را بر سنگی بستند. ارسلان پیش خدای خود نذر کرد که چون خلاصی یابد در آنجا کاروان‌سرای سازه‌ای بیرون آورد و آنجا را قریه‌ای امن کند. به همین خاطر وقتی فرمانروای توس شد، نذر خود را به جا آورد و این آبادی امن را در سنگ‌بست ساخت. به نام آنچه بر سر سنگ بر او گذشته اینجا را سنگ‌بست نام نهادند.» اما لباف خانیکی، روایتی علمی‌تر از این نام‌گذاری دارد و می‌گوید: «در گذشته سر راه‌ها را با سنگ نشانه‌گذاری می‌کردند، سنگ‌بست نیز یک پنجره بسیار حیاتی بوده که ۵ شهر

**مناره سنگ‌بست یا میل‌ایاز**

مناره معروف به ایاز یکی دیگر از بقایای تاریخی موجود در سنگ‌بست است؛ مناره‌ای که قد و قواره بلند آن خیلی زود از دور شکوه خود را نشان می‌دهد. شکوه و جبروت آن از نزدیک هم ستودنی است، مخصوصاً وقتی که نمای آجری ظرف و زیبای آن را با دستانت لمس می‌کنی و با خود می‌گویی سازندگان این بنا با چه دقت و حوصله‌ای خشت به خشت این مناره را روی هم چیده‌اند و آن را تا ثریا راست و استوار بالا برده‌اند. این مناره بیشتر از ۳۰ متر ارتفاع و ۱۰ پله دارد؛ پله‌هایی که اگر قصد طی کردن آن را داشته باشید، باید با طمأنینه و در حالی که پسای را روی کفه ضخیم و قطور آن، می‌گذاری، دایره‌وار بچرخیدی و سمت آسمان بالا روی. گاه در دیواره مناره، حجره‌ای قرار دارد تا نور را به داخل بتاباند و چراغ راه‌موذن یا راهنمای کاروان‌ها باشد. اگر کمی بیشتر در ظاهر این سازه دقت به خرج دهی در بخش بالایی مناره کلمه لا اله الا الله را می‌بینی که با خط کوفی نقش بسته و یک سند قدیمی از یکتاپرستی آن روزگار به شمار می‌رود. اوج مناره یا همان قسمت مأذنه (جایی که موذن می‌ایستد و اذان می‌گوید) و جایگاه نار و آتش عجیب حس ترس و غرور توأمان را در وجود آدم بر می‌انگیزد، ترس از ارتفاع و غرور تسلط بر اطراف. تماشای زمین زیر پایتان از آن بالا حتماً یکی از جذاب‌ترین لحظه‌هایی است که می‌توانی در سیر و سیاحتی که به این منطقه داری، تجربه کنی. پلان حجره‌های بازار قدیم از بالای میل به خوبی نمایان است. حجره‌های کوچک یک متر در یک متر که داخل آن قدری گود‌تر از دیواره‌هاست و شکل زنجیره‌وار حجره‌ها را نشان می‌دهد. قطر این مناره در پایین حدود ۵/۵ متر و در بالا ۲/۵ متر می‌شود. مناره که در فاصله سی‌وسه متری از مقبره ارسلان جاذب قرار دارد، جزئی از رباط سنگ‌بست محسوب می‌شود و در گذشته یک هم‌تا و همراه در کنار خود داشته است که از بین رفته است.



دوایوان ورودی رباط سنگ‌بست که چونان دوست‌با آغوشی گشوده به روی میهمانان است